

قلمرو انطباق رویکرد قانونگذار ایران با مقررات متحدالشکل مقابله با فساد در کنوانسیون مریدا

محمود جلالی^{۱*}، وحید قاسمی^۲

چکیده

تحت تأثیر پدیده جهانی شدن و آثار و پیامدهای آن، فرصت‌های تازه‌ای برای بزهکاران پدید آمده و اشکال نوینی از بزهکاری ظهور و توسعه یافته است که برای صلح، امنیت، ثبات و توسعه پایدار جامعه بشری و حاکمیت قانون، تهدید به‌شمار می‌آید. همچنین روند رو به افزایش تعاملات منطقه‌ای میان دولت‌ها و شرکت‌ها و سایر مؤسسات باعث شده آثار رفتارهای مجرمانه ارتكابی، به‌خصوص در جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی، محدود به کشور «محل وقوع جرم» نباشد، بلکه آثار مخرب آن به سایر کشورها نیز تسری یابد. از این رهگذر جامعه جهانی احساس ناامنی کرده است و بدین جهت واکنش مؤسسات و جامعه بین‌المللی نسبت به این امر رو به افزایش است. جرایم ملی، ماهیتی بین‌المللی به خود می‌گیرد و به مرور به جرایم بین‌المللی تبدیل و مبارزه با آن صرفاً با همکاری بین‌المللی میسر می‌شود. به همین منظور و با توجه به احساس مشترک و نگرانی‌های جامعه جهانی، موضوع مقابله با فساد در سازمان ملل متحد، مسئولیتی بین‌المللی تلقی و به طور رسمی و صریح از سال ۱۹۷۵ با تصویب قطعنامه‌ای در مجمع عمومی آغاز شد. موضوع تصویب کنوانسیون مستقل برای مبارزه علیه فساد در قطعنامه شماره ۵۵/۶۱ مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ مجمع مطرح شد که نتیجه آن تشکیل «کمیته کارشناسی» در دبیرخانه دفتر پیشگیری از جرم و کنترل مواد مخدر در سازمان بود که در نهایت به تصویب کنوانسیون مبارزه علیه فساد در قطعنامه ۵۸/۴ مجمع در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ و در تکمیل کنوانسیون آن سازمان در مورد مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ منجر شد. تصویب نهایی کنوانسیون در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای اصل ۱۱۲ قانون اساسی ج.ا.ا. انجام پذیرفت. این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون، تعارض اساسی بین اصول نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد وجود ندارد و ایران موظف به تطبیق بیشتر حقوق داخلی با اهداف کنوانسیون در حوزه پیشگیری، جرم‌انگاری، مبادله اطلاعات، تعقیب و مجازات و مبارزه ضد فساد از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بخش‌های خصوصی و دولتی است.

کلیدواژگان

حقوق ایران، حقوق بین‌الملل کیفری، سازمان ملل متحد، فساد، کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا.

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)،

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

Email: vahidhasemi529@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۴

ملاحظات مقدماتی

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد (United Nations Convention against Corruption-UNCAC) یا کنوانسیون مریدا (Merida)^۱، مجموعه‌ای جامع از مقررات، رهنمودها و سازوکارهای پیش‌بینی شده در ابعاد مختلف جهت توانمندسازی دولت‌ها برای مبارزه همه جانبه با فساد در سطح جهانی است. از جمله نحوه سیاست‌گذاری و سازماندهی نهادهای ضد فساد، تدابیر پیشگیرانه در مورد فساد از جمله تعیین ضوابط رفتار مقامات، قواعد حاکم بر نظامات دولتی و شفاف‌سازی، ایجاد مشارکت اجتماعی، جرم‌انگاری موارد فساد، همکاری‌های بین‌المللی بخصوص در زمینه استرداد مجرمان و معاضدت‌های قضایی متقابل، بازیافت اموال، نظارت‌های بین‌المللی و غیره.

یکی از ویژگی‌های بارز کنوانسیون در مقایسه با سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی این است که بیش از آنکه به روابط بین دولت‌ها بپردازد، الگو و ضوابطی برای شیوه حکمرانی در درون دولت‌ها وضع کرده است. این امر باعث شده تا با توجه به موضوعات متنوع مندرج در کنوانسیون بتوان از ابعادی مختلف و به صورت میان‌رشته‌ای آن را بررسی کرد. به لحاظ پژوهش‌های حقوقی، بخش‌هایی از کنوانسیون از نظر حقوق عمومی، بخش‌هایی از نظر حقوق جزا و بخش‌های دیگری از آن از نظر حقوق بین‌الملل عمومی حایز اهمیت بیشتری است.

کنوانسیون که از ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد و اکنون ۱۷۶ عضو دارد، از یک مقدمه و هفتادویک ماده تشکیل شده که ساختار کلی آن عبارت است از: ۱. مقررات عمومی و تعهدات کلی و قابل اعمال کنوانسیون ۲. اقدامات پیشگیرانه ۳. جرم‌انگاری و اجرای قانون و صلاحیت قضایی ۴. همکاری‌های بین‌المللی و ۵. استرداد اموال. در بخش راجع به جرم‌انگاری، اجرای قانون و صلاحیت قضایی، کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد تا برای پوشش دادن اعمالی که در این کنوانسیون بیان شده، اقدام کنند. جرم‌انگاری برخی از اعمال مطابق کنوانسیون الزامی و مستلزم آن است که دولت‌های عضو به سایر جرایم نیز توجه کنند.

به‌طور کلی جرایمی نظیر اختلاس، ارتشا، پول‌شویی (Money Laundering)، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قاچاق کالا، ارز، انسان و تقلب در مواد خوراکی، آرایشی، بهداشتی، تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی، نمونه‌هایی از جرایمی هستند که از آنها به‌عنوان

۱. جهت اطلاع از سایر اقدامات بین‌المللی در مورد مبارزه با فساد ن.ک اسناد زیر:

International Code of Conduct for Public Officials, General Assembly(GA) Res 58/59 annex;
UN Declaration against Corruption and Bribery in International Commercial Transactions, GA Res 51/191annex and UN Convention against Transnational Organized Crime GA Res 55/25 annex1.

جرایم اقتصادی یاد می‌شود (ولیدی، ۱۳۸۶: ۸۱). اما جرایمی که در کنوانسیون به‌عنوان فساد مالی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند عبارتند از: ارتشا، اختلاس، سوءاستفاده یا تصرف غیرقانونی توسط مقام‌های دولتی، پول‌شویی، تبدیل یا انتقال عواید ناشی از جرم و اختفا و سرپوش گذاشتن بر عواید ناشی از جرم (Concealment) و تحصیل و تملک عواید ناشی از جرم. فصل راجع به جرم‌انگاری کنوانسیون به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱. تخلفاتی که کشورهای عضو باید آنها را جرم‌انگاری کنند شامل ارتشای مقامات دولتی ملی و ارتشای مقامات دولتی خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی، اختلاس، سوءاستفاده یا تصرف غیرقانونی اموال از سوی مقامات دولتی (Misappropriation)، تطهیر عواید ناشی از جرم (Laundering of Proceeds of Crime) و ممانعت از اجرای عدالت (Obstruction of Justice) شامل مواد ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶، ۱۷، ۲۳ و ۲۵. جرم‌انگاری این اعمال ضروری‌ترین و مهم‌ترین بخش اقدامات جهانی و هماهنگ مقابله با فساد را تشکیل می‌دهد. ۲. قسمت دوم فصل جرم‌انگاری به ترسیم تخلفاتی می‌پردازد که کشورهای عضو باید جرم‌انگاری آنها را لحاظ کنند. کنوانسیون حداقل استانداردها را ارائه می‌دهد. اما کشورهای عضو آزادند که از این استانداردها فراتر روند که شامل مواد بند ۲ ماده ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۴ می‌شود. در نهایت، ماده ۲۶ کنوانسیون با پیروی از فرمول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، به مسئولیت کیفری، مدنی و اداری اشخاص حقوقی (Liability of Legal Persons and Corporate Sanctions) به‌طور مجزا از مسئولیت اشخاص حقیقی پرداخته شده است.

کنوانسیون از اولین اسناد حقوقی الزام‌آور جهانی مبارزه علیه فساد است که نه تنها دولت‌ها، مقامات دولتی و عمومی و سازمان‌های بین‌الدولی را در بر می‌گیرد بلکه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی خصوصی و جامعه مدنی در چارچوب آن قرار دارند. این نظام جدید مکمل اقدامات ضد فساد قبلی سازمان ملل متحد در مورد جرایم سازمان‌یافته، بانک جهانی و اقدامات منطقه‌ای شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اتحادیه آفریقا و بانک آسیایی توسعه قلمداد می‌شود.

کنوانسیون از ضمانت‌های اجرایی زیادی نام می‌برد که مهم‌ترین آنها عبارت است از ابطال و فسخ قراردادهای منعقدۀ ناشی از فساد، لغو امتیازات، ردیابی، مسدود کردن یا ضبط، جلوگیری از انتقال و استرداد اموال از طریق همکاری بین‌المللی، اقامۀ دعوی و اخذ خسارت توسط قربانی فساد، ایجاد نهادهای خاص داخلی برای مبارزه با فساد، حمایت از شهود، کارشناسان، قربانیان و اشخاصی که فساد را گزارش می‌کنند. همچنین در سومین کنفرانس اعضا در دوحه، سازوکار نظارت بر اجرای کنوانسیون (Implementation Review Mechanism) پذیرفته شده است. در خصوص اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون مطابق ماده ۶۶ روش‌های مذاکره مستقیم، داوری و در مواردی رسیدگی قضایی از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر

گرفته شده است. در اجرای ماده ۶۳ کنوانسیون تاکنون کنفرانس اعضای کنوانسیون به منظور توسعه ظرفیت و همکاری اعضا در اجرای مفاد کنوانسیون و عنداللزوم انجام اصلاحات ۵ بار برگزار شده و قرار است ششمین کنفرانس از ۲ تا ۶ نوامبر ۲۰۱۵ در سن پیتزبورگ برگزار شود.

کنوانسیون در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۸۲ به امضای دولت جمهوری اسلامی ایران رسید و در مهر ماه ۱۳۸۴ لایحه الحاق دولت به کنوانسیون مذکور تقدیم مجلس شد که در نهایت با توجه به ایرادات شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و ایران به کنوانسیون مذکور ملحق شد و متعهد به اجرای مفاد آن است. البته نسبت به بند ۲ ماده ۶۶ یعنی رسیدگی از طریق داوری و دیوان بین‌المللی دادگستری، ایران از حق شرط استفاده نموده است (<https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY> &nbsp;src=TREATY). با توجه به اینکه فساد یکی از معضلات موجود، مولد فقر و بی‌عدالتی اجتماعی و مانع اصلی توسعه کشور است و مبارزه با آن مورد تأکید مسئولان و مورد مطالبه عمومی قرار دارد، انجام تحقیقات علمی اصیل در مورد این موضوع واجد اهمیت است.

یادآوری این امر ضروری است که قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام سعی نموده با بهره‌گیری از ابزارهای غیر کیفری و تدابیر پیشگیرانه، به مقابله با فساد اداری در کشور بپردازد. توجه به شفاف‌سازی فرایند اداری، بالا بردن سطح آگاهی مردم و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای، از جمله مواردی است که در این قانون مورد توجه قرار گرفته است. با این حال به دلیل نگاه غیر کیفری، تحلیل قانون مذکور ارتباط موضوعی با این مقاله ندارد. از طرفی هنوز رویه قضایی دادگاه‌های داخلی در مورد مفاد کنوانسیون شکل محکمی به خود نگرفته است و جا دارد در مقاله‌ای مستقل دیدگاه رویه مراجع قضایی کشور نسبت به جرایم مندرج در کنوانسیون مریدا^۱ جداگانه بررسی شود. در این مقاله عمدتاً با نگاهی جرم‌انگارانه و نه از منظر جرم‌شناختی و سیاست کیفری، به

۱. به‌عنوان مثال در پرونده معروف به فساد کلان بانکی سه هزار میلیارد تومانی، قاضی ویژه دادگاه انقلاب اسلامی در شهریور ۱۳۹۱ که رأی او متعاقباً به تأیید شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور رسید، مه‌آفرید امیر خسروی را علاوه بر جرایم دیگر، به دلیل تشکیل و رهبری یک شبکه سازمان‌یافته برای ارتکاب جرایمی نظیر ارتشا، اختلاس، شرکت در پولشویی از طریق مصرف عواید حاصل از جرم، موضوع ۱۳۶ فقره گشایش اعتبار اسنادی صادره از بانک صادرات شعبه گروه ملی اهواز به تقاضای گروه ملی صنعتی فولاد ایران و منافع مترتب بر آن در مجموع به مبلغ حداقل ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان و مصرف آن در جهت تأسیس بانک آریا و خرید یا تأسیس شرکت‌های جدید، تسویه بدهی‌های سایر شرکت‌های گروه امیرمنصور آریا و خروج بخشی از سرمایه به خارج از کشور، پرداخت رشوه به کارکنان بانک صادرات اهواز و بانک ملی، شعبه مرکزی کیش و به کارمندان بانک سپه کیش و افراد دیگر، به اعدام محکوم کرد.

بررسی تطبیقی مهم‌ترین جرایم مندرج در این سند بین‌المللی با آنچه در قانونگذاری داخلی ایران وجود دارد، پرداخته می‌شود. سؤال این است که تا چه میزان دیدگاه قانونگذار ایران با مندرجات این پیمان بین‌المللی مطابقت دارد؟ گرچه نظام حقوقی ایران تعارض بنیادینی با استانداردهای جهانی مبارزه با فساد ندارد؛ ولی به نظر می‌رسد برای اجرای معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی، ایجاد راهکارهای جدید و انجام پاره‌ای اصلاحات در قوانین داخلی ضرورت دارد.

جرم رشوه

عنصر قانونی جرم ارتشا (Bribery) در کنوانسیون عبارت است از مواد ۱۵، ۱۶ و ۲۱ که در مواد ۱۵ و ۱۶ جرم ارتشای مقام‌های دولتی داخلی و مقامات دولتی خارجی و در ماده ۲۱ ارتشا در بخش خصوصی مورد بحث قرار می‌گیرند. در ایران اکنون اصل ۴۹ قانون اساسی، بند الف تبصره ماده ۳۶ و مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ (قانون تشدید) عنصر قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد.

۱. عنصر مادی

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرم رشوه در حقوق ایران عبارت است از دادن و قبول کردن و نیز انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی. نکته قابل ذکر در مورد واژه «قبول نماید» مذکور در ماده ۳ قانون تشدید آن است که با توجه به ظاهر ماده مذکور و با توجه به اینکه ماده ۵۹۲ ق.م.ا، ضمن اشاره به ماده ۳ از دادن وجه یا سند سخن گفته، تردیدی باقی نمی‌ماند که منظور ماده ۳ این است که مقام دولتی وجه یا مال یا سند را اخذ نماید. بنابراین به صرف اینکه وی پیشنهاد ارباب رجوع را برای دادن وجه یا مال یا سندی به وی «بپذیرد»، جرم ارتشا محقق نخواهد شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۶۷). بنابراین عمل مرتکب، «فعل مثبت مادی خارجی» است که مال یا وجه یا سند پرداخت وجه را پرداخت می‌نماید و مرتشی آن را دریافت می‌دارد (نورزاده، ۱۳۸۳: ۵۹). این در حالی است که استاندارد بین‌المللی بسیار وسیع‌تر است و جرم‌انگاری رشوه نه فقط منعکس‌کننده دادن رشوه است، بلکه پیشنهاد و قول رشوه را هم شامل می‌شود؛ حتی زمانی که پذیرشی وجود نداشته باشد. از همین رو سیاستی که در کنوانسیون مریدا اتخاذ شده نیز به همین ترتیب است و مواد ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون از «وعده ارائه یا دادن امتیاز بی‌مورد» و «درخواست یا قبول امتیاز ناروا» سخن به میان می‌آورد. در حقوق کیفری ایران صرف وعده راشی به تنهایی کافی برای تحقق جرم نیست، مگر آنکه

اقداماتی را که مرتشی انجام داده با وعده راشی جمعاً مفید شروع به جرم باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۶۸). هر چند که حکمی راجع به شروع به عمل رشا یافت نمی‌شود، لیکن شروع به ارتشا در تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید و نیز ماده ۵۹۴ ق.م.ا سابق پیش‌بینی شده است.

اما ماده ۱۲۳ قانون م.ا. ۱۳۹۲ همچون تبصره ۱ ماده ۴۱ ق.م.ا سابق، مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی را که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نمی‌داند و به اعتقاد عده‌ای از حقوقدانان، شروع به جرم زمانی محقق می‌گردد که عمل ارتكابی بدون ابهام قصد مرتکب بوده و با جرم پیوندی آشکارا و نزدیک داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۲۲). بنابراین کنوانسیون درخواست یک مقام دولتی داخلی یا خارجی را کافی برای جرم می‌داند. اما حقوق ایران فقط حالت اخذ کردن را جرم می‌داند. بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که بتوان صرف بیان درخواست را به منزله شروع به ارتکاب ارتشا دانست و بیان درخواست بیشتر به مقدمات بعیده جرم شبیه است تا عملیات اجرایی جرم (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۸۸). لذا درخواست یا وعده و پیشنهاد رشوه در حقوق ایران جرم‌انگاری نشده است.

نکته دیگر اینکه بین رشا و ارتشا ملازمه دائمی وجود ندارد. در بعضی اوقات ممکن است راشی مالی را به عنوان رشوه به مأمور دولت بدهد و راشی محسوب شود ولی گیرنده مال مرتشی محسوب نشود؛ یعنی این‌گونه نیست که هرگاه فردی راشی محسوب شد الزاماً طرف مقابل او که وجه یا مال را دریافت کرده است مرتشی باشد (موسوی، ۱۳۸۸: ۶). با این حال، اعمال مقررات کیفری راجع به رشوه منوط به وجود نوعی توافق هر چند ظاهری بین راشی و مرتشی است. برای نمونه در ایتالیا جرم «تحریک سازی» زمانی ممکن‌الوصول می‌شود که مقام دولتی پیشنهاد یا قول یک رشوه را نمی‌پذیرد؛ در حالی که تلاش برای رشوه‌گیری جرم محسوب می‌شود. همچنین، در کشور لوکزامبورگ جرم رشوه از لحاظ عرفی نیازمند این است که قبل از اینکه آن مقام کار مورد نظر را انجام دهد یا از آن پرهیز کند، نوعی توافق وجود داشته باشد. در حال حاضر در این کشور اگر بعد از اینکه یک مقام دولتی عمل خواسته شده را انجام دهد یا امتناع از عملی را بپذیرد و رشوه دریافت کند، حتی در صورت عدم توافق قبلی بین طرفین، تنها جرم رشوه‌گیری محرز می‌شود (Lucinda, 2006: 31).

در جرم رشوه آنچه لازم است صرفاً اثبات توافق نیست، بلکه این مسئله مهم است که هدف پیشنهادی رشوه‌دهنده این باشد که فرد مورد نظر کاری را برای او انجام دهد یا از آن امتناع کند و رشوه‌گیرنده آگاه باشد که در قبال آن یک امتیاز ناحق دریافت خواهد کرد (موسوی، همان: ۲۵). لذا اگر یک طرف آگاه نباشد نمی‌توان هر دو را محکوم کرد؛ مثل جایی که پیشنهاد پرداخت رشوه وجود دارد در حالی که پذیرش صورت نمی‌گیرد.

پذیرفتن هرگونه مال یا وجه از طرف مرتکب اعم از این که در هنگام انجام کار صورت پذیرد

یا پس از آن و در این صورت جرم ارتشا تحقق می‌یابد. حال اگر مرتکب پس از قضیه در مقام رد آن برآید نمی‌توان او را به‌عنوان مرتشی قرار داد (موسوی، همان: ۴۴). بنابراین، پرداخت رشوه می‌تواند مؤخر بر انجام یا ترک فعل از سوی مرتشی باشد به شرط آن‌که انجام کار یا ترک فعل از سوی مرتشی با کارهای خواسته شده راشی به‌نحوی مرتبط باشد تا بتوان رشوه را احراز کرد؛ چرا که صرف وعده در حقوق ایران جرم نیست و حتماً باید اخذ مال صورت گیرد و همچنین صرف دادن مبلغی به عنوان انعام بدون تقاضای انجام امری یا امتناع از آن رشوه محسوب نمی‌گردد (میر محمدصادقی، ۱۳۸۲: ۳۷۷).

با توجه به موارد ذکرشده ملاحظه می‌گردد که حقوق ایران با کنوانسیون در خصوص «وجود توافق بین طرفین» دارای اشتراک است اما آنچه باعث تفاوت حقوق ما با کنوانسیون می‌گردد این است که محکومیت کسی به رشوه گرفتن مستلزم محکوم کردن کسی به رشوه دادن است مگر اینکه بنا به علل شخصی مثل اضطرار (تبصره ماده ۵۹۲ ق.م.ا)، یا حفظ حقوق حقه خود (ماده ۵۹۱ ق.م.ا)، یا نداشتن عنصر روانی لازم، طرف دیگر از مجازات معاف گردد. این در حالی است که ماده ۱۵ کنوانسیون از واژه‌های «پیشنهاد دادن» و «درخواست نمودن» استفاده کرده و می‌دانیم که پیشنهاد یا درخواست به صورت یکجانبه و همراه با موافقت احتمالی بوده و منظور کنوانسیون دقیقاً جایی است که طرف مقابل از پذیرش آن خودداری می‌کند. چرا که با پذیرش طرف دیگر جرم رشوه کامل صورت می‌گیرد و همان توافق دوجانبه به‌وجود می‌آید. بنابراین دیدگاه حقوق ایران نسبت به کنوانسیون مضیق‌تر است.

نکته دیگر این‌که لازم نیست دادن امتیاز ناروا به‌طور مستقیم انجام گیرد بلکه بنا به تصریح قانون مجازات اسلامی این کار می‌تواند غیرمستقیم انجام پذیرد و همین‌طور قبض و اقباض فیزیکی مال ضرورتی ندارد بلکه صرف این‌که مال در اختیار فرد قرار داده شود مثلاً وجه در حساب او واریز یا ملک به نام او منتقل یا با رضایت او پول در کشوی میزش گذاشته شود، کفایت می‌کند و آنچه داده یا گرفته می‌شود لازم نیست برای خود مرتکب باشد بلکه حتی اگر او آن را برای شخص ثالثی هم داده یا بگیرد، کفایت می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۳۷۰ و ۳۸۲). این همان موضعی است که در کنوانسیون به صراحت به آن اشاره شده است. فی‌الواقع در فرایند جرم شناختی به این صورت است که: ۱. امتیازی به‌طور مستقیم به دست شخص ثالث می‌رسد بدون اینکه به‌طور مستقیم به دست مقام دولتی برسد. ۲. امتیازی به دست مقام دولتی می‌رسد، اما این به نفع شخص ثالث است (Wedd, 2005:22). در چنین شرایطی، خصوصاً هنگامی که پای واسطه‌ها به میان می‌آید و یا هیچ توافقی مستقیماً بین راشی و مرتشی وجود ندارد، شرایط لازم و ضروری مندرج در کنوانسیون را درباره شرکت و تلاش برای جرم باید در نظر گرفت، همان‌طور که در ماده ۲۷ کنوانسیون نیز بیان شده است. درواقع اگر پرداخت رشوه از طریق یک واسطه باشد، آن واسطه دستگیر خواهد شد، براساس اصول کلی

این باعث نمی‌شود که مجرم اصلی از مسئولیت جزایی خود فرار کند (همان). در قانون مجازات اسلامی هم همین رویه در ماده ۵۹۳ پذیرفته شده است. در واقع قانونگذار ما در این ماده وساطت در امر رشوه را که اصطلاحاً «رایش» گفته می‌شود و از مصادیق معاونت در جرم می‌باشد با عنایت به اهمیت جرم و خطرات ناشی از آن مستقیماً جرم شناخته و مجازات رایشی را قابل اعمال دانسته است (عسکری، ۱۳۸۳: ۵۶۸).

۲. عنصر روانی

نکته مهم در این خصوص این است که رایشی و مرتشی باید از سمت مرتشی به عنوان کارمند دولت، مطلع باشند و مرتکب باید بداند وجه یا مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده مال است، داده می‌شود. در کنوانسیون مریدا نیز عنصر روانی به همین صورت است. منتها از آنجا که عمل رشا شامل موارد صرف پیشنهاد رشوه نیز می‌شود و در واقع شامل مواردی می‌شود که رشوه پذیرفته نشده و بنابراین بر رفتار فرد تأثیری نگذاشته است، این ارتباط باید این‌گونه باشد که متهم نه تنها قصد پیشنهاد رشوه را داشته بلکه باید قصد تأثیرگذاری بر رفتار دریافت‌کننده را نیز داشته باشد. صرف‌نظر از اینکه «دریافت» صورت گرفته یا خیر. این مسئله را می‌توان با توجه به ماده ۲۸ کنوانسیون که مقرر می‌دارد آگاهی، قصد یا نیت لازم به عنوان عنصر جرم (Knowledge, Intent or Purpose as Elements of an Offense) مقرر شده در این کنوانسیون ممکن است از وضعیت واقعی عینی استنتاج شود، استنباط کرد و در خصوص عنصر روانی جرم ارتشا باید گفت که فقط قصد درخواست یا قبول امتیاز بی‌مورد با هدف تغییر رفتار خود در جریان وظایف رسمی است (همان، ۳۴). جرم رشوه از «جرایم مطلق» است و نیازی به تحقیق نتیجه ندارد.

۳. موضوع رشوه

براساس صراحت ماده ۳ قانون تشدید موضوع جرم رشوه عبارت است: ۱. وجه ۲. مال ۳. سند پرداخت وجه و مال. به کار بردن عباراتی نظیر «وجه، مال و سند پرداختن وجه و مال در حقوق ما، نشان‌دهنده جنبه مادی و مالی داشتن آنچه به عنوان رشوه پرداخت می‌شود است. بنابراین مواردی که اساساً جنبه مالی برای آنها متصور نیست تحت شمول مقررات راجع به رشا و ارتشا قرار نمی‌گیرد، هرچند میزان و ارزش اقتصادی مالی که به عنوان رشوه داده شده است از لحاظ حقوق ایران در مسئولیت کیفری مرتکب تأثیری ندارد و فقط در میزان مجازات وی موثر باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۳۸۲)؛ اما همان‌طور که بسیاری از حقوقدانان بیان داشته‌اند، گاهی مابه‌ازاهای غیرمالی، وسوسه‌انگیزتر و فساد‌انگیزترند.

ماده ۱۶ کنوانسیون به طور کلی دادن هر نوع امتیاز ناروا را جرم می‌داند. در مکزیک موضوع جرم رشوه‌خواری عبارت است از پول یا هر امتیاز دیگری. در شیلی از عبارت «امتیاز اقتصادی» استفاده شده است. گرچه این تعاریف شامل امتیازات پولی محسوس و نامحسوس می‌شود اما امتیازات غیرپولی مثل ورود به مدرسه یا دانشگاه که شخص به هیچ‌وجه امکان ورود به آنها را ندارد، شامل نخواهد شد. به همین دلیل است که کنوانسیون تمامی امتیازات مادی و غیرمادی را دربرمی‌گیرد. در واقع استفاده از اصطلاح «کسب هر نوع امتیاز ناروا و غیرقانونی» در این کنوانسیون به نوعی ساده کردن عنوان‌های مجرمانه است (Fritz Heiman, 2007:26).

۴. رشوه به مقامات دولتی خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی

کنوانسیون علاوه بر رشوه به مقامات دولتی داخلی، رشوه به مقامات دولتی خارجی (Foreign Public Officials) و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی (Officials of a Public International Organization) را مطابق بند ۱ ماده ۱۶ خود جرم‌انگاری کرده است. مطابق با یک نظریه تفسیری، کشور خارجی به کاررفته در کنوانسیون تنها شامل کشورها نمی‌شود، بلکه شامل هر منطقه خارجی سازمان‌یافته مانند یک منطقه مستقل یا یک منطقه با گمرک جداگانه هم می‌شود (Wedd, 2005:48). همچنین، براساس نظریه کمیته تفسیری کنوانسیون، کشور خارجی می‌تواند هر کشور دیگری باشد؛ یعنی لزومی ندارد که این کشور از کشورهای عضو کنوانسیون باشد (بهرمند، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

برخلاف مقام یک کشور خارجی که می‌بایست دولتی باشد، کنوانسیون در خصوص سازمان‌های بین‌المللی قید دولتی بودن را نیاورده است و بنابراین رشوه به یک سازمان بین‌المللی غیردولتی یعنی «نهادی که به ابتکار انحصاری بخش خصوصی و یا مشترک و مختلط با بخش عمومی و خارج از هرگونه توافق بین‌الدولی تأسیس شده است و در آن اشخاص خصوصی اعم از حقیقی یا حقوقی و یا اشخاص عمومی با تابعیت‌های گوناگون گرد آمده‌اند» را هم شامل می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۲۶۶).

قانون‌گذاری کشورهای عضو باید شامل تعریف «مقام دولتی خارجی» ارائه شده در ماده ۲ کنوانسیون هم بشود. فرض اینکه مقامات دولتی خارجی مقامات دولتی هستند که مطابق قانون کشور خارجی تعریف شده‌اند کفایت نمی‌کند. ماده ۱۶ الزامی ندارد که ارتشای مقامات دولتی خارجی مطابق قانون داخلی کشور خارجی مورد نظر، جرم تلقی شود (بهرمند، همان). مقررات ماده ۱۶ بر مصونیت‌هایی که ممکن است مقامات دولتی خارجی یا مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی مطابق با حقوق بین‌الملل از آنها برخوردار باشند، تأثیری نمی‌گذارد.

اختلاس

ماده ۱۷ کنوانسیون علاوه بر حیف و میل به «اختلاس» توسط مقام‌های دولتی اشاره می‌کند. در حقوق ایران نیز اختلاس عبارت از خیانت مأمور دولت در تصاحب وجوه یا اسناد یا اموال متعلق به دولت و یا نسبت به سایر وجوه یا اسناد یا اموال سایر اشخاص است به نفع خود یا دیگری که بر حسب وظیفه به فرد سپرده می‌شود (همان، ۲۳۰). شایان ذکر است اگرچه در نظام حقوقی ایران اختلاس تنها در بخش دولتی معنا دارد، واژه Embezzlement در زبان انگلیسی معنای وسیع‌تری دارد و شامل «خیانت در امانت» نیز می‌شود و از این‌رو در بخش خصوصی نیز قابل تصور است.

عنصر قانونی جرم اختلاس در حقوق ایران ماده ۵ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷ که جایگزین ماده ۷۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ شده و ماده ۶۰۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ است. به‌علاوه، قانونگذار برای اختلاس افراد مشمول «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران»، مجازات خاصی به موجب ماده ۱۱۹ قانون مذکور پیش‌بینی کرده است.

عنصر مادی جرم اختلاس عبارت است از برداشت یا تصاحب به نفع خود یا دیگری یعنی اینکه موضوع اختلاس را از آن خود یا دیگری انگاشته و وارد در مایملک خود یا دیگری کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). شایان ذکر است که مال مذکور باید «برحسب وظیفه» در اختیار شخص قرار گرفته باشد. در ماده ۱۷ کنوانسیون هم آمده که مال باید بنا به «موقعیت شغلی شخص» به وی واگذار شده باشد.

تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی

از جمله تعدیبات مستخدمین و کارکنان دولت در ارائه خدمات اداری و انجام وظایف محوله مسئله دخل و تصرف غیرمجاز آنها در وجوه و اموال دولتی به نام «تصرف غیرقانونی» است. قانونگذار مقررات ناظر به جرم «تصرف غیرقانونی» یا «استفاده غیرمجاز» بدون قصد تملک را از اختلاس مجزا کرده و ماده ۵۹۸ ق.م.ا. را به این جرم اختصاص داده است. بنابراین، عنصر قانونی جرم مذکور در حقوق ایران ماده ۵۹۸ است. این جرم در ماده ۱۷ کنوانسیون و با عنوان «استفاده غیرمجاز» آمده است.

۱. عنصر مادی

عنصر مادی جرم تصرف غیرقانونی عبارت است از استفاده غیرمجاز و بدون قصد تملک به نفع خود یا دیگری و همچنین اهمال یا تفریط منجر به تضییع اموال و وجوه دولتی و نیز به مصرف

رسانیدن در اموری که قانون اعتباری برای آن قائل نشده یا به مصرف رسانیدن در غیر مورد معین و زائد بر اعتبار (شکری، ۱۳۸۳: ۵۸۲). بنابراین عمل فیزیکی این جرم هم به صورت فعل و هم به صورت ترک فعل است. صور ارتکاب جرم ماده ۵۹۸ عبارت است از: ۱. استفاده غیرمجاز ۲. مصرف در جهتی که در قانون اعتباری برای آن منظور نگردیده ۳. مصرف در غیر مورد معین ۴. مصرف زائد بر اعتبار ۵. تضییع اموال و وجوه دولتی. به اعتقاد برخی از حقوقدانان موارد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ در حکم تصرف غیرقانونی است و نه مصداق تصرف غیرقانونی (شکری، ۱۳۸۳: ۵۸۲).

یکی از شرایط و اوضاع و احوال تحقق عنصر مادی جرم تصرف غیرقانونی این است که مال موضوع جرم لزوماً باید قبلاً به کارمند تسلیم شده باشد و او بر حسب وظیفه آن را تحویل گرفته باشد، اعم از اینکه آن مال دولتی باشد یا متعلق به اشخاص (ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). این مسئله یکی از نقاط مشترک حقوق ایران با کنوانسیون ۲۰۰۳ است و در صورتی که محرز شود بدون آنکه مالی به کارمند واگذار شده امکان استیلا و دسترسی بر آن مال را پیدا کرده و آن را تصاحب و تصرف کند، عمل او را نمی‌توان تحت عنوان مجرمانه تصرف غیرقانونی به حساب آورد، بلکه ممکن است تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شود.

۲. عنصر روانی

جرم تصرف غیرقانونی جزو جرایم عمدی محسوب می‌شود که در ارتکاب آن کارمند دولت با علم و اطلاع اقدام به تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی می‌کند و صرف اقدام در جهت استفاده از اموال یا وجوه مذکور و همچنین صرف اقدام در به مصرف رسانیدن اعتبار در غیر موارد پیش‌بینی شده در قانون را می‌توان به‌منزله سوءنیت عام دانست و با توجه به اینکه حصول نتیجه از اهمیت برخوردار نیست، از جمله جرایم عمدی مطلق است. البته با توجه به بخش دوم ماده ۵۹۸ چنانچه مرتکب از این استفاده غیرمجاز منتفع شده باشد، مجازات او تشدید می‌شود.

ماده ۱۷ کنوانسیون نیز به عمدی بودن جرم اشاره دارد که با توجه به ذکر عبارت «در جهت منافع ... به صورت عمدی ارتکاب یابد»، به نظر می‌رسد منظور همان مطلق بودن این جرم از نگاه کنوانسیون است خواه به نتیجه برسد یا نرسد. البته ذکر عبارت «در جهت منافع خود یا ...» در متن کنوانسیون، در نگاه اول این جرم را نسبت به ماده ۵۹۸ محدود می‌کند چرا که در ماده ۵۹۸ صرفاً استفاده غیرمجاز بیان شده است. اما در توضیح می‌توان گفت «استفاده» از نظر لغوی معنای فایده گرفتن، فایده بردن، منتفع شدن دارد و در معنای اصطلاحی می‌توان از آن به‌عنوان تصرف در اموال یا وجوه یاد کرد که عبارت است از امکان استیلا و سیطره بر چیزی به منظور رسیدن به هدفی خاص

(ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). بنابراین حقوق ما در این زمینه نیز در راستای ماده ۱۷ کنوانسیون است.

نکته دیگری که در خصوص عنصر روانی شایان ذکر است وجود عبارت «در صورتی که به علت اهمال یا تفریط...» است که قانونگذار اهمال یا تفریط کارمند را در انجام وظایف اداری خود که به صورت «ترک فعل غیرعمدی» حاصل می‌شود، برای تحقق عنصر روانی و اثبات مسئولیت و مجازات مرتکب کافی دانسته است (ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

۳. مرتکبین جرایم ارتشا و اختلاس و تصرف غیرقانونی

جرایم اختلاس، ارتشا و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی زمانی تحقق پذیرند که طبق مواد ۳ و ۵ قانون تشدید و ماده ۵۹۸ ق.م.ا مرتکب در زمره کارکنان و مستخدمان و مأموران دولتی اعم از قضایی، اداری، شوراها، شهرداری‌ها، نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا مأموران به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی باشند. در بند الف ماده ۲ کنوانسیون در تعریف «مقام دولتی» آمده است که هر شخصی که دارای شغل قانونگذاری، اجرایی، اداری یا قضایی اعم از انتصابی یا انتخابی و دائم یا موقت در کشور عضو باشد اعم از اینکه حقوق دریافت کند یا نکند صرف نظر از ارشدیت وی، مقام دولتی تلقی می‌شود. هرچند که در حقوق ایران تعریف دقیق و مورد اتفاقی از مقام دولتی به عمل نیامده است، اما با ملاحظه مواد مذکور و ماده ۱ قانون استخدام کشوری سابق و مندرجات فصل اول قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، می‌توان ملاحظه کرد که تعریف کنوانسیون نسبت به حقوق ایران گسترده‌تر است. در حقوق ایران صرفاً کارکنان سه قوه می‌توانند مرتکب جرایم مذکور شوند و به این جهت اعمال مذکور در مورد نمایندگان مجلس شورای اسلامی تحت عناوین احصاشده، قابل تعقیب کیفری نیست و صرفاً با تفسیری موسع ممکن است با عنوان جزایی «تحصیل مال به طریق نامشروع» قابلیت انطباق داشته باشد.

۴. اختلاس و ارتشا در بخش خصوصی

مواد ۲۱ و ۲۲ کنوانسیون در خصوص ارتکاب جرایم اختلاس و ارتشا توسط هر شخصی است که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، می‌باشد البته در صورتی که به شکل بین‌المللی و در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد. این در حالی است که در مقررات داخلی خصوصاً ماده ۵ قانون تشدید، یکی از شروط تحقق جرم اختلاس و ارتشا، ارتکاب آن توسط کارکنان دولت است. با این توصیف اشخاص حقیقی

حقوق خصوصی در حقوق ایران نمی‌توانند مرتکب اختلاس شوند و در صورت عدم تحقق شرط مذکور چنانچه عمل تصاحب نسبت به اموال سپرده شده نزد اشخاص عادی صورت گیرد، عنوان جزایی «خیانت در امانت» بر آن صدق می‌کند و بر ماده ۶۷۴ ق.م.ا. منطبق است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴).

جرم اعمال نفوذ

به موجب ماده ۱۸ کنوانسیون، هر کشور عضو قوانین و سایر اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد کرد تا موارد زیر، زمانی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم تلقی شود: الف) وعده، ارائه یا دادن امتیاز ناروا به یک مقام دولتی یا هر شخص دیگر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای اینکه آن مقام دولتی یا شخص از نفوذ واقعی یا فرضی خود (Trading in Influence) با هدف کسب امتیاز ناروا از نظام اداری یا مرجع دولتی کشور عضو برای شخص برانگیزنده این عمل یا هر شخص دیگر سوءاستفاده کند. ب) درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز ناروا از طرف مقام دولتی یا هر شخص دیگر برای خود آن مقام یا شخص دیگر برای اینکه آن مقام دولتی یا آن شخص از نفوذ واقعی یا فرضی خود با هدف کسب امتیاز ناروا از نظام اداری یا مرجع دولتی کشور عضو سوءاستفاده کند.

جرایم مشمول ماده ۱۸ همانند جرایم مشمول ماده ۱۵ ست اما یک تفاوت عمده بین این دو ماده وجود دارد. جرایم مشمول ماده ۱۵ مستلزم فعل یا ترک فعل از سوی مقامات دولتی در جریان وظایف رسمی آنهاست. ولی جرم مشمول ماده ۱۸ مستلزم استفاده از نفوذ واقعی و یا فرضی برای کسب امتیاز ناروا برای شخص ثالث از نظام اداری یا مرجع دولتی کشور است (Argandona, 2006:26).

در نظام حقوقی ایران، قانون موسوم به «قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» در تاریخ ۱۳۱۵/۹/۲۹ به تصویب رسیده است که مواد چهارگانه آن به تعیین مجازات برای اشخاصی می‌پردازد که به استناد اعتبار و نفوذ در مراجع عمومی دولتی - قضایی از دیگران وجوهی را مطالبه کرده و یا از روابط خصوصی خود با مستخدمین مزبور سوءاستفاده کرده و یا مستخدمانی که نفوذ اشخاص دیگر را در اقدامات و تصمیمات اداری خود، تأثیر می‌بخشند. به علاوه، صریحاً در خصوص وکلای دادگستری که وجهی را با ادعای داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأموران قضایی یا اداری دریافت می‌دارند، تعیین مجازات کرده است.

سوءاستفاده از وظایف

ماده ۱۹ کنوانسیون به جرم‌انگاری سوءاستفاده از وظایف و جایگاه (Abuse of Functions) به

منظور کسب امتیاز ناروا پرداخته است. طبق نظریه کمیته تفسیری این جرم می‌تواند شامل انواع رفتارهای مختلف مثل افشای ناشایست اطلاعات طبقه‌بندی شده یا محرمانه از سوی یک مقام دولتی شود.

سوءاستفاده از وظایف مورد نظر ماده ۱۹ کنوانسیون، با موضوع سوءاستفاده کارکنان عمومی از وظایف و مقام خویش در حقوق ایران مسبوق به سابقه است. از جمله ماده‌های ۵۷۶ و ۵۸۱ قانون مجازات اسلامی که ناظر بر سوءاستفاده مأموران و مستخدمان دولتی و عمومی از مقام و شغل خویش است. تفاوتی که بین ماده ۱۹ کنوانسیون و ماده ۵۷۶ ق.م.ا وجود دارد این است که سوءاستفاده از وظایف ماده ۱۹ به منظور کسب امتیاز بی‌مورد برای خود یا شخص دیگر است که چنین قیدی در ماده ۵۷۶ ق.م.ا وجود ندارد. همچنین در ماده ۱۹ از قید «سوءاستفاده در حین انجام وظایف» استفاده شده در حالی که ماده ۵۷۶ صرف سوءاستفاده از مقام را مشمول اعمال مجازات می‌داند.

دارا شدن من غیر حق

ماده ۲۰ کنوانسیون راجع به دارا شدن من غیر حق (Illicit Enrichment)، یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مقام دولتی که به صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، است.

برخی از مواد کنوانسیون متضمن شرطی تضمینی است که به عنوان فیلتری برای تعهدات دولت‌های عضو در موارد تعارض با قواعد قانون اساسی یا قواعد حقوقی بنیادی آنها عمل می‌کند. ماده ۲۰ یکی از این مواد است که کنوانسیون در آن با ذکر عبارت «با در نظر گرفتن قانون اساسی و اصول بنیادی نظام حقوقی» این تدبیر را اتخاذ می‌کند (بهره‌مند، ۱۳۸۷: ۱۳).

بنابراین همان‌طور که ملاحظه شد، دارا شدن من غیر حق مذکور در ماده ۲۰ کنوانسیون بر کسب ثروت غیرمشروع توسط مقام‌های دولتی نظارت دارد. در این خصوص در ایران به اصل ۱۴۲ قانون اساسی، قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ و آیین‌نامه رسیدگی به دارایی مقامات و مدیران دولتی و همسر و فرزندان آنها ۱۳۸۹ هیئت دولت می‌توان اشاره کرد. در خصوص مسئولان تراز اول کشور نیز اصل ۱۴۲ قانون اساسی اشعار می‌دارد که به دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد. بنابراین بین کنوانسیون و حقوق ایران در این زمینه هماهنگی وجود دارد.

ممانعت از اجرای عدالت

کنوانسیون در ماده ۲۵ اقداماتی را مقرر می‌دارد که سلامت فرایند دادگستری را تضمین می‌کند. مطابق ماده ۲۵ کشورها باید استفاده از تحریک، تهدید و زور را به منظور دخالت در کار شهود یا مقاماتی که نقش آنها تأمین ادله و شهادت صحیح است، جرم‌انگاری کنند. این ماده تکمیل‌کننده مقررات مربوط به مسائل مرتبط با حمایت از شهود کارشناسان و قربانیان (ماده ۳۲) و افراد گزارش‌دهنده (ماده ۳۳) و همکاری‌های بین‌المللی (فصل چهارم) است.

ماده ۲۵ از دو قسمت تشکیل شده است. جرم نخست به «تلاش برای نفوذ بر شهود احتمالی و افراد دیگر» مرتبط است که در موقعیتی قرار دارند که ادله مربوط برای مراجع را فراهم می‌کنند. کشورهای عضو ملزم شده‌اند تا استفاده از زور فیزیکی، تهدید یا ارباب یا وعده، پیشنهاد و یا اعطای امتیازات ناروا برای برانگیختن شهادت دروغ یا دخالت در شهادت یا ارائه ادله در دادرسی‌های مربوط به ارتکاب جرائم مقرر شده بر اساس این کنوانسیون را جرم‌انگاری کنند (بند الف). این التزام هم شامل جرم‌انگاری ابزارهای فساد مثل رشوه است و هم شامل ابزارهای قهری مثل استفاده از خشونت یا تهدید به آن. استفاده از زور، تهدید و ارباب برای شهادت کذب می‌تواند هر زمانی پیش از شروع محاکمه اتفاق افتد، خواه رسیدگی رسمی در جریان باشد یا خیر. مطابق یک تفسیر راجع به مقررات متناظر کنوانسیون جنایات سازمان یافته در ماده ۲۳ واژه «رسیدگی» را باید به نحو وسیعی تفسیر کرد تا شامل تمامی رسیدگی‌های رسمی دولتی، از جمله فرایندهای پیش از محاکمه، بشوند. نکته بعدی اینکه کشورها ملزم شده‌اند تا این جرم را در تمامی رسیدگی‌های مربوط به جرایم مقرر شده بر اساس کنوانسیون مبارزه با فساد اعمال کنند.

جرم دومی که کشورها باید آن را در نظر بگیرند «مداخله در اعمال مقامات قضایی یا مجری قانون» است. استفاده از زور فیزیکی، تهدید، یا ارباب برای مداخله در اعمال فیزیکی رسمی از سوی یک قاضی یا مأمور مجری قانون، در ارتباط با ارتکاب یکی از جرایم مقرر شده در کنوانسیون است. ممنوعیت ارتشا در این مقررات گنجانیده نشده است، زیرا مقامات قضایی مجری قانون، مقامات دولتی فرض می‌شوند که ارتشای آنها در حال حاضر مشمول ماده ۱۵ است. در عین حال که بند ب ماده ۲۵ حمایت از مقامات قضایی و مجری قانون را مقرر می‌کند، کشورها آزادند تا قوانینی برای سایر مقامات دولتی داشته باشند. در خصوص این عنوان مجرمانه در حقوق ایران می‌توان به ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که در خصوص «اخذ سند، نوشته، امضا و یا مهر به عنف و اکراه» است. با این حال، این ماده کلیت داشته و به نظر نمی‌رسد کاملاً با کنوانسیون سازگار باشد.

پول شویی

مواد ۲۳ و ۲۴ کنوانسیون، به جرم‌انگاری تطهیر عواید ناشی از جرم پرداخته است. ماده ۲۳ جرم‌انگاری جرایم مرتبط با تطهیر عواید ناشی از جرم را مطابق با اصول بنیادین حقوق داخلی الزامی می‌داند. این ماده مقرر می‌دارد که کشورهای عضو باید چهار تخلفی را که در ارتباط با پول‌شویی در بندهای ذیل می‌آید جرم‌انگاری کنند: ۱. تبدیل یا انتقال عواید ناشی از جرم ۲. اختفا یا سرپوش گذاشتن بر عواید ناشی از جرم ۳. تحصیل، تملک یا استفاده از عواید ناشی از جرم ۴. شرکت، همکاری، تبانی در ارتکاب، شروع به ارتکاب، کمک و مشاوره در ارتکاب جرایم مذکور.

در خصوص سابقه پول‌شویی در حقوق ایران می‌توان به اصل ۴۹ قانون اساسی اشاره کرد که بعد از آن در سال ۱۳۶۰ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ به تصویب رسید و در ماده ۳ آن شورای عالی قضایی موظف شد در هر شهر یا شهرستان یک یا چند شعبه از دادگاه انقلاب را برای رسیدگی به این امر اختصاص دهد. آنچه در واقع جلوه‌ای نمایان از پول‌شویی محسوب می‌شود ماده ۱۴ قانون مذکور است که در آن کلیه نقل و انتقالات اموال حاصله از موضوع این اصل، پس از اثبات در دادگاه، باطل و بی اثر است و علاوه بر آن این ماده اشاره دارد که انتقال دهنده و انتقال گیرنده، در صورت اطلاع، به مجازات کلاهبرداری محکوم می‌شوند (باقرزاده، ۱۳۸۶: ۷۵).

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ به کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد به عنوان اولین مصوبه بین‌المللی در امر مبارزه با پول‌شویی ملحق شد. تا سال ۱۳۸۶ به جز موارد پراکنده‌ای که در برخی از قوانین و بعضاً غیر صریح به موضوع پول‌شویی پرداخته بود، ایران به تکلیف مندرج در این کنوانسیون در خصوص وضع قانون داخلی در مبارزه با پول‌شویی و جرم‌انگاری آن اقدامی جدی به عمل نیاورده بود (همان) و مصوبات موجود هم برای مقابله با مظاهر پول‌شویی و جرایم سازمان یافته کافی نبود. به دلیل همین خلاء قانونی، قانون مبارزه با پول‌شویی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲ به تصویب رسید. هم کنوانسیون و هم قانون مبارزه با پول‌شویی از عبارت «عواید ناشی از جرم» استفاده می‌کنند ولی قانون مبارزه با پول‌شویی بر خلاف کنوانسیون، عواید ناشی از جرم را در ماده ۳ این‌گونه تعریف می‌کند: «عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد».

اصولاً مرتکبین جرم پول‌شویی دو دسته هستند، یک دسته همان مرتکبین جرم اصلی و دسته دیگر افرادی غیر از مجرمان جرایم اصلی. اما در خصوص تعیین مجازات، اختلاف نظر جایی است که مرتکبین جرم اصلی و جرم تطهیر عواید ناشی از آن، یکی باشد. در این مورد

برخی از کشورها معتقدند که مرتکبان جرم اصلی نمی‌توانند برای مباشرت یا معاونت در پول‌شویی مجازات شوند، چرا که به عقیده آنها جرم پول‌شویی تداوم جرم اولیه است که مرتکب برای گریز از مجازات به آن دست می‌زند. اما باید در نظر داشت که عملی که مرتکب جرم اصلی با عواید ناشی از جرم انجام می‌دهد فعل جدیدی است که دارای عنوان جدیدی خواهد بود و اساساً مقوله دیگری است که مجازات جرم اصلی نمی‌تواند پوشش لازم برای جلوگیری از آثار سوء پول‌شویی شود (رهبر، ۱۳۸۶: ۲۷۶). قانون مبارزه با پول‌شویی نیز با همین عقیده در تبصره ۳ ماده ۹ بیان می‌دارد که «مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پول‌شویی، علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم ارتكابی، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد».

برابر نظریه کمیته تفسیری کنوانسیون (سند A/58/422/Add a)، جرایم پول‌شویی مقرر شده در ماده ۲۳ کنوانسیون مریدا جرایمی مستقل و مجزا هستند و ارتکاب پیشین جرم اصلی برای احراز ماهیت یا منشأ نامشروع دارایی‌ها، ضرورتی ندارد. اما به هر حال کنوانسیون در قسمت ۲ بند ۲ ماده ۲۳ با در نظر گرفتن اصول حقوقی برخی از کشورها مانند سوئد، که تعقیب مجازات یک جرم را هم برای جرم اصلی و هم برای جرم تطهیر عواید ناشی از جرم اجازه نمی‌دهد، مسئله عدم اعمال مجازات مرتکبین جرم اصلی را برای ارتکاب جرایم بند ۱ ماده ۲۳، به رسمیت می‌شناسد.

شایان ذکر است که در متن کنوانسیون عبارت مشارکت، همکاری و تبانی در توطئه جهت ارتکاب، تلاش برای ارتکاب و کمک به تحصیل و مشاوره در ارتکاب جرایم موضوع ماده ۲۳ را نیز جرم دانسته است. بند ۲ ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران، کمک به مرتکب به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب به آن جرم نگردد را جرم دانسته است. در واقع کنوانسیون در اینجا معاون را به نوعی هم ردیف با مرتکب اصلی می‌داند.

اختلاف عواید ناشی از جرم

طبق ماده ۲۴ کنوانسیون، شرایط لازم برای ارتکاب جرم اختفا این است که اولاً این جرم نسبت به جرایم مقرر شده در این کنوانسیون اعمال می‌شود. ثانیاً شخص مرتکب این جرم نباید در جرایم ارتكابی این جرم شرکتی داشته باشد. در بیان تفاوت بین این جرم و جرم ماده ۲۳ می‌توان گفت منظور کنوانسیون این است که در صورت ارتکاب جرم قبلی مورد نظر این کنوانسیون و ارتکاب جرم مورد نظر ماده ۲۴، جرایم آن قابل جمع است. در واقع تفاوت این دو جرم این است که اختفا و نگهداری در ماده ۲۳ به منظور تطهیر و پول‌شویی و از بین بردن ماهیت جرم است، در حالی که در این ماده

هدف تغییر ماهیت منشأ جرم نیست، بلکه تنها هدف این است که از کشف جرم جلوگیری شود.

به نظر می‌رسد در قوانین ایران «اختفا» تنها در مورد «اموال حاصل از سرقت» موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی حکم خاصی وجود دارد و قابل تعقیب کیفری است و در مورد سایر جرایم این گونه نیست. در قانون تجارت نیز در خصوص ورشکستگی تجار، اشخاصی که عالمناً تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیر منقول تاجر را از میان ببرند یا مخفی نمایند، خواه از خویشاوندان تاجر باشند یا خیر، مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۵۵۱-۵۵۳ قانون مذکور خواهند شد. لذا به نظر می‌رسد در قانون داخلی اختفا یا نگهداری اموال حاصله از جرایمی نظیر ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، قابل تعقیب کیفری نیست. در این مورد خلأ احساس می‌شود که لازم است نسبت به آن توجه شود.

قاعده مرور زمان

ماده ۲۹ کنوانسیون از کشورهایی که دارای قواعد مرور زمان (Statute of Limitations) هستند می‌خواهد تا برای تمامی جرایم مقرر شده بر اساس کنوانسیون، مدت طولانی‌تری مقرر کنند. این مقررات مشابه مقررات جنایات سازمان‌یافته (بند ۵ ماده ۱۱) است، با این تفاوت که کنوانسیون مریدا شرط دیگری به نام «تعلیق مرور زمان» دارد که آن را در مورد مجرمانی که از اجرای عدالت فرار کرده‌اند اعمال می‌دارد. در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴ در مورد تعلیق اجرای مجازات صحبت شده (فصل پنجم)، ولی در مورد تعلیق مرور زمان مورد نظر کنوانسیون به صراحت چیزی بیان نشده است. اما به طور کلی می‌توان گفت در مواردی که قانوناً تعقیب جزایی موکول به اجازه مراجع معین یا منوط به رسیدگی و تعیین تکلیف خاص در مرجع صالح دیگری باشد، مرور زمان متوقف و مدتی که تعقیب جزایی به علل مذکور معلق مانده جزو مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. با این حال، مرور زمان سپری شده قبل از تعلیق، بابت مرور زمان قانونی احتساب خواهد شد (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۱۶). بنابراین ملاحظه می‌شود تعلیق مرور زمانی که مورد نظر نویسندگان کنوانسیون مریدا است، در حقوق ما سابقه‌ای ندارد.

صلاحیت قضایی

در ماده ۴۲ کنوانسیون، قلمرو قوانین جزایی در مکان و صلاحیت تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم مقرر شده در کنوانسیون بررسی شده است. از این جهت کنوانسیون با مقررات حاکم بر صلاحیت قضایی در کنوانسیون‌های دیگر مطابقت دارد. با توجه به ماهیت فساد فرامرزی، کنوانسیون «محل وقوع جرم» را با اهمیت تلقی و در بند ۵ ماده ۴۲ از دولت‌های عضو

می‌خواهد تا با همکاری خود از «اعمال صلاحیت مضاعف» جلوگیری نمایند. به طور کلی قلمرو قوانین جزایی را می‌توان با توجه به ماده ۴۲ به موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. اصل صلاحیت سرزمینی

اعمال صلاحیت سرزمینی طبق ماده ۴۲ کنوانسیون، اجباری (Mandatory Jurisdiction) شناخته شده است. این نوع صلاحیت عبارت است از این‌که: ۱. جرم در قلمرو کشور عضو ارتکاب یابد (جزء الف بند ۱) ۲. جرم روی کشتی که پرچم آن کشور عضو را برافراشته ارتکاب یابد (جزء ب بند ۱۱). ۳. جرم در هواپیمایی که آن هواپیما طبق قوانین آن کشور ثبت گردیده ارتکاب یافته باشد. اصل صلاحیت سرزمینی در حقوق ایران صراحتاً در ماده ۵ قانون مدنی و ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان شده است.

با توجه به گستردگی جرایم فساد و به لحاظ سازمان یافته بودن اغلب این جرایم، نظیر جرم پول‌شویی و این احتمال که بخشی از این جرایم در یک کشور و قسمتی از آن نیز در قلمرو کشور دیگری ارتکاب یابد، می‌توان به ماده ۴ ق.م.ا استناد کرد. در این مورد کنوانسیون نیز در بند ۶ ماده ۴۲ مقرر می‌دارد که مفاد آن مانع اعمال صلاحیت کیفری مقرر شده توسط یک کشور عضو طبق قانون داخلی‌اش، چنان‌چه خدشه‌ای به معیارهای حقوق بین‌الملل عمومی وارد نیورد، نخواهد شد.

۲. اصل صلاحیت شخصی

در ماده ۴۲ کنوانسیون، صلاحیت شخصی که به نوعی تکمیل‌کننده صلاحیت سرزمینی است به دو صورت بیان شده: الف) جرم توسط تبعه کشور عضو ارتکاب یافته باشد؛ ب) جرم علیه تبعه آن کشور عضو ارتکاب یافته باشد. به‌خصوص ماده ۷ ق.م.ا در این مورد حکم را مشخص نموده است. بر اساس این ماده هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد. اما همان‌طور که ملاحظه شد، کنوانسیون برای کشورهای عضو اختیاری را قائل شده که چنان‌چه یکی از جرایم کنوانسیون علیه تبعه یک کشور عضو ارتکاب یابد آن کشور حق رسیدگی و تعقیب دارد. این شرط به عنوان اصل صلاحیت شخصی در مورد ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری آمده است، یعنی چنان‌چه جرمی در درون هواپیمای خارجی که در حال پرواز در فضای ایران یا یک کشور خارجی باشد به وقوع پیوندد در این‌گونه موارد به استناد ماده مذکور در صورتی مراجع ایران صالح به رسیدگی خواهند بود که مورد با یکی از شقوق سه‌گانه ماده مذکور مطابق باشد که یکی از آن شروط این

است که «مجنی علیه تبعه ایران باشد». هم‌چنین ماده ۸ ق.م.ا جدید اعمال این نوع صلاحیت را به طور مشروط برای دادگاه‌های ایران به رسمیت شناخته است.

۳. اصل صلاحیت واقعی

مطابق بند ت ماده ۴۲ کنوانسیون، کشورها در یک مورد دیگر نیز دارای صلاحیت اختیاری (Optional Jurisdiction) هستند و آن اینکه جرم علیه آن کشور عضو ارتکاب یابد. این مسئله در مواد ۵ و ۸ ق.م.ا سال ۱۳۹۲ بیان شده که در صورت ارتکاب آن جرایم مرتکب مشمول صلاحیت قضایی ایران می‌شود. البته مصادیق مذکور در ماده ۵ منطبق با جرایم فساد مالی مندرج در کنوانسیون نیستند، مگر در مواردی مانند ارتشا و اختلاس که با تشکیل شبکه به عنوان محارب و فاسد شناخته شوند. ماده ۸ تا حدودی این نقیصه را برطرف نموده و به هر حال، کنوانسیون این اختیار را داده که چنانچه جرایم ارتكابی علیه کشورهای عضو کنوانسیون باشد، آن کشورها نیز صالح به رسیدگی باشند. جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص از طریق اعمال صلاحیت قوه قضاییه، که در ۱۸ آوریل سال ۲۰۱۳ رسماً به عنوان نماینده تام‌الاختیار کشور نسبت به معاضدت‌های قضایی متقابل معرفی شد، باید از تمام ظرفیتی که کنوانسیون در اختیارش قرار داده منجمله از طریق «کارگروه بین‌الدولی» ایجاد شده در سال ۲۰۰۶ و در راستای بند ۴ ماده ۱،۶۳ نسبت به مسترد نمودن عواید ناشی از برخی فسادهای مالی در سال‌های اخیر به کشور اقدام کند.

ملاحظات پایانی

تدوین و تصویب کنوانسیون مریدا، حکایت از دغدغه‌های جامعه جهانی برای پیشگیری و مبارزه با پدیده فساد از طریق اصلاح و تحول در حقوق ملی کشورها و ایجاد نهادهایی برای همکاری گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد مختلف قضایی، اجرایی، علمی و سیاسی دارد. در واقع، فساد امروزه تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود، زیرا خطر مخاصمات داخلی و بین‌المللی را افزایش می‌دهد. با شناخت مصادیق جرایم فساد مالی در کنوانسیون می‌توان به این نتیجه رسید که ایران متأثر از نظام جهانی مبارزه علیه فساد، اقدام به تصویب سند موصوف و ورود آن به حقوق داخلی خود کرده است. با این حال، صرف تصویب کنوانسیون توسط جمع زیادی از کشورها و از جمله ایران نمی‌تواند مبارزه با فساد را تضمین کند. زمان

1. The Conference of the States Parties to the Convention adopted resolution 1/4 entitled "Establishment of an Intergovernmental Working Group on Asset Recovery" in its first session held in Amman from 10 -14 December 2006.

لازم است تا ارادهٔ سیاسی کشورها در جدی بودن علیه این پدیده معلوم و از طرفی نقایص کنوانسیون برملا و برطرف شود.

تعلق خاطر قانونگذار ایران در تعریف از جرایمی نظیر ارتشا که مورد آن صرفاً مادی است و از آن فقط در بخش دولتی، آن هم عمدتاً در مورد اشخاص حقیقی می‌توان سراغ گرفت، با تعریف کنوانسیون که آخرین و جدیدترین منبع فراملی حقوقی در این شاخه محسوب و برآیند تحولات متنوع در جوامع و مطابق با مقتضیات روز نگاشته شده است، مطابقت ندارد. زیرا اولاً، امروزه تنها ارزش‌های مادی و پولی نیست که باعث تحریک افراد به سوءاستفاده از موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند می‌شود و بعضاً ارزش‌های غیرمادی و سوسه‌انگیزتر و دارای تبعات مادی بیشتری هستند. ثانیاً، امروزه تنها روحیهٔ سوداگرانه در بخش دولتی نیست که موجب اختلال در نظم و امنیت اجتماعی و سست شدن پایه‌های مقبولیت یک سیستم می‌شود بلکه با تسریع روند خصوصی سازی در ایران و اینکه بسیاری از خدمات عمومی در این بخش قرار می‌گیرد، بی‌توجهی به جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی از جمله ارتشا، در این بخش توجیه‌شدنی نیست. در حقیقت همان عواملی که قانونگذار را به جرم‌انگاری در بخش دولتی مجاب نموده، امروزه در بخش خصوصی نیز وجود دارد. ثالثاً، امروزه شخصیت‌های حقوقی، واقعیات عینی جوامع هستند و تأثیر حضور آنها در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محسوس است و اگر بازتاب منفی اختلال در عملکرد آنها در سطوح مختلف جامعه نسبت به اشخاص حقیقی زیادتر نباشد، کمتر نیست و بنابراین توجه بیشتر کشور به این موضوع را می‌طلبد. البته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تا حدودی این نقیصه جبران شده است (مواد ۲۰ تا ۲۲ و ۱۴۳ آن قانون).

بنابراین، با توجه به قدیمی و سنتی بودن برخی موازین داخلی که حافظ ارزش‌های اقتصادی و معیارهای سنتی زمان خویش بوده و با تحولات اجتماعی و اقتصادی اخیر ایران تجانسی ندارد و با توجه به اصلاحات مقطعی و جزئی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد برخی از این قوانین صورت گرفته و در عمل کافی به مقصود نیست و به‌خصوص رویهٔ قضایی دادگاه‌های کشور در سال‌های اخیر کشف و تعقیب بیشتر مفاسد بزرگ مالی دولتی خصوصاً در نظام بانکی کشور را نشان می‌دهد، بازنگری و تجدیدنظر در قوانین جزایی حاکم بر مفاسد اقتصادی و هم‌چنین تأسیس نهادهای مستقل ملی مبارزه با فساد (همانند آنچه تاکنون در مورد مبارزه با پول‌شویی در کشور صورت گرفته)، در جهت تطبیق با کنوانسیون مریدا، باید نخستین هدف باشد. اما باید توجه داشت که در بخش داخلی علی‌رغم نبود نظام ارزیابی عملکرد و نارسا بودن و عدم شفافیت عملکرد نظام اداری و بعضاً مبهم بودن قوانین و ناقص بودن برخی از آنها که موجب نگرانی‌هایی در این مورد شده، زمینه‌ها و نقاط قوتی نیز وجود دارد که با تخصصی‌تر کردن و گسترش آنها می‌توان برنامه‌های مبارزاتی علیه فساد را گسترش بخشید. کنوانسیون مریدا، به عنوان سندی جامع و مستقل، می‌تواند وسیله‌ای بسیار مناسب در

راستای مقابله با معضل فساد در هماهنگی با جامعه بین‌المللی باشد. همچنین پذیرش معیارهای جهانی آن می‌تواند تأثیر چشمگیری بر فعالیت‌های تجاری بین‌المللی بگذارد. با این حال، فساد سیاسی که آثار مخرب آن کمتر از فساد اقتصادی نیست در چارچوب مقررات کنوانسیون قرار ندارد و از طرفی اجرای صحیح و موثر استانداردهای فوق در سایه همکاری بین‌المللی، اراده جمعی دولت‌ها و نحوه نگاه نظام‌های حقوقی داخلی اعضا دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم
۲. آشوری، محمد، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم
۳. ارجمندزاد عبدالمهدی و کاظمیان مهدی، (۱۳۹۲)، مجموعه قانون و مقررات مبارزه با پول‌شویی در حوزه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، نشر میزان، چاپ دهم
۵. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی جلد ۲، تهران، نشر میزان، چاپ دهم
۶. باقرزاده، احد، (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی پول‌شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول
۷. بهره‌مند بگ نظر، حمید، (۱۳۸۷)، رهنمودهای تضمین جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
۸. حسینی، مینا، (۱۳۸۷)، مفهوم جرم پول‌شویی و اثرهای آن بر نظام اقتصادی از دیدگاه حقوق اقتصادی، تهران، ماهنامه دادگستر، شماره ۲۹
۹. رهبر، فرهاد، (۱۳۸۱)، بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران
۱۰. شکری، رضا و دیگران، (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر مهاجر، چاپ سوم
۱۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ دهم
۱۲. قاسمی، احمد، (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی قوانین موضوعه ایران با کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، سایت اینترنتی www.agahi.net
۱۳. موسی زاده، رضا، (۱۳۸۳)، حقوق اداری ۲ و ۱، تهران، نشر میزان، چاپ ششم
۱۴. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت،

- تهران، نشر میزان، چاپ چهارم
۱۵. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم
۱۶. نورزاد، عوض، (۱۳۸۳)، رشوه در حقوق کیفری ایران و اسلام، تهران، انتشارات آریان، چاپ اول
۱۷. ولیدی، محمدصالح، (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
۱۸. موسوی، سید مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی پیرامون جرم رشوه ملی و رشوه بین‌المللی، ماهنامه دادرسی - سال سیزدهم، شماره ۷۳.

ب) انگلیسی

19. Argandona A., (2006), *The United Nations Convention against Corruption and its Impact on International Companies*. TESE Business School – University of Navara, at <http://iese.edu/research/pdfs/DI-0656-E.pdf>.
20. Bantekas I., (2006), "Corruption as an International Crime and Crime against Humanity: An Outline of Supplementary Criminal Justice Policies", in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 4.
21. https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmsg_no=XVIII-14&chapter=18&lang=en#EndDec last visited 22-08-2015.
22. <https://www.unodc.org/unodc/en/treaties/CAC/CAC-COSP-session1-resolutions.html#resolution11> last visited 22-08-2015.
23. Joutsen M. and Graycar A. (2012) "When Experts and Diplomats Agree: Negotiating Peer Review of the UN Convention Against Corruption", *Global Governance: A Review of Multilateralism and International Organizations*: October-December 2012, Vol. 18, No. 4, pp. 425-439.
24. Lucinda A. L., (2006), *The United Nations Convention against Corruption: the Globalization of Anticorruption Standards*. Landon, England.
25. Lucinda A. L., et al., (2010), "Global Anti-Corruption Standard and Enforcement: Implications for Energy Companies!", in *Journal of World Energy Law & Business*, Vol. 3, No. 2.
26. UNCITRAL, (2008), "United Nations Convention against Corruption: Implementing procurement-related aspects" Submitted by the United Nations Commission on International Trade Law, https://www.uncitral.org/pdf/english/workinggroups/wg_1/INF.2.pdf.
27. Vlassis D., (2012), "The United Nations Convention against Corruption: a Successful Example of International Action against Economic Crime", at <http://www.doiserbia.nb.rs/img/doi/1450-6637/2012/1450-66371202061V.pdf>
28. Wedd Ph., (2005), *The United Nations Convention: Global Achievement or Missed Opportunity*. *Journal of International Economic law*. (www.oxfordjournal.org).
29. Williams A., (2015), "United Nations Convention Against Corruption Overview", at <http://www.slideshare.net/andrewwilliamsjr/united-nations-convention-against-corruption-overview>